

OCTOBER

اکتبر ۴

۱ مهر ۱۳۸۳ ، ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۴

نشریه کمیته
کردستان حزب
کمونیست کارگری
ایران - حکمتیست



اطلاعیه **خالد حاج محمدی**، دبیر کمیته سقز حزب کمونیست کارگری

ایران حکمتیست در باره محاکمه کارگران سقز:

محاکمه کارگران باید لغو شود!

صفحه ۶

اطلاعیه کمیته کامیاران حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست:
اخراج کارگران سد گاوشان محکوم است!

اطلاعیه کمیته سنندج:

اخراج کارگران نساچی کردستان ادامه دارد

اطلاعیه کمیته مریوان:

رویارویی مردم محله استادیوم با مزدوران رژیم

اطلاعیه خبری کمیته سردشت

صفحات ۵ و ۶

بازی اتمی سران رژیم اسلامی با سرنوشت بشریت، چهره شنیع اسلام سیاسی در عراق



ایرج فرزاد

سلاح اتمی برای "منافع ملی" را ضروری تر میدانند. و البته این "منافع ملی" میتواند غرور متحد تمام احزاب و خرده احزاب گرایش ملی مذهبی را تحریک هم بکند. هر چه باشد بحث ایستادگی در برابر "قدرتهای خارجی" و حفظ "غرور ملی" در میان است. اما آنچه که در ورای چنین محاسبات کوتاه بینانه ای در جریان است، خطر و کابوس صف آرائی ای است که در یک سو رژیم اسلامی قرار دارد و در سوی دیگر اسرائیل و اروپا و آمریکا. رژیم اسلامی برای بقا و حفظ خود در قدرت، راه را در تهدید بشریت با کابوس وحشتناک احتمال یک رویارویی خطرناک دیده است. میدانند که هیچ راه برون رفتی برای بحران عمیق سیاسی و اقتصادی که بر مردم ایران ←

سران رژیم جمهوری اسلامی علنا دارند بشریت را با تصمیم به دست یابی به سلاح اتمی بطور جدی تهدید میکنند. خاتمی نیز که "شهامتش" در سیاست موضوع جوکهای مردم است، به جمع "اقتدارگرایان" پیوسته است و گفته است، حتی اگر رژیم اسلامی حاکم بر ایران از جامعه بین المللی منزوی شود، دست یابی به

در جواب به جواب جوابم

پاسخ به نامه ۳۰ اوت حمید تقوایی



ریوار احمد

اکتبر

سردبیر: ایرج فرزاد

Iraj.farzad@gmail.com

تلفن: 0046739555085

چهارشنبه ها منتشر میشود

**سال تحصیلی جدید، سال آزادی و برابری
اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست
به مناسبت آغاز سال تحصیلی**

صفحه ۵

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در
باره محاکمه دستگیر شدگان مراسم اول مه سقز

صفحه ۶

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است



تحویل کرده اند، ندارند، میدانند در مقابل مردمی که در کمین بزرگ کشیدنشان نشسته اند، تنها چاره سیاست همیشگی ارباب و با بکار گرفتن تهدیدهای مرگبار است. و این بار در مراحل پایانی بحران آخر رژیم اسلامی، سران جنایتکار این رژیم تصمیم گرفته اند که همراه با ارباب مردم ایران، نفس بشریت و جهان متمدن را نیز در صورت به خطر افتادن سلطه بختک اسلام سیاسی در سینه ها حبس کنند. فاکتور مردم، نارضایتی عمیق آنان و خشم و نفرتشان از رژیم جانبدار اسلامی، بحث سیر آینده جامعه ایران و باز گذاشتن راهی برای دخالت از بالای سر مردم ایران توسط کشورهای اروپای واحد، آمریکا و اسرائیل در مقدرات جامعه ایران را مفتوح کرده است. دولت اسرائیل که خود یک پای ترویس دولتی در خاورمیانه و از متحدین استراتژیک آمریکا است، طرحهایی را با کمک و همیاری دولت آمریکا برای "حملات پیشگیرانه" در دست دارد. بحث حملات غافلگیرانه و ضربتی برای نابود کردن مراکز تولید سلاح اتمی و منابع غنی سازی اورانیوم مدت‌هاست در دستور مقامات نظامی و امنیتی اسرائیل قرار گرفته است. تا جایی که اخبار مربوط به برخی از این اقدامات سران رژیم اسرائیل درز کرده است، به نقل از رسانه های فارسی زبان وابسته به دولتهای غربی گفته اند:

"در حال حاضر ایران با همسایگان دور و نزدیکی روبروست که از قدرت اتمی برخوردارند: هند، پاکستان، اسرائیل و طبیعتاً آمریکا که در عراق و افغانستان مستقر است. از این رو جمهوری اسلامی ایران مایل است که علیرغم تمامی تکذیبها، بتواند راه استفاده نظامی از انرژی هسته‌ای را برای خود باز نگاه دارد. این روزها همچنین به معرض نمایش گذاشته شد که با آن جمهوری اسلامی میتواند، اسرائیل را مورد حمله قرار دهد. در این بین مقامات مسئول در اسرائیل قرصهای حاوی "یود" بین ساکنانی که در نزدیکی تاسیسات اتمی این کشور زندگی میکنند، پخش کرده است. از سوی دیگر خبرگزاری رویترز به

نقل از محافل امنیتی اسرائیل گزارش داده است که آمریکا قصد فروش بمبهایی به اسرائیل را دارد که با استفاده از آن میتوان تاسیسات هسته‌ای زیرزمینی ایران را هدف قرار داد و نابود کرد. روزنامه اسرائیلی هارتس نیز گزارشی در اینباره منتشر کرده بود که صحت آن از سوی محافل امنیتی مورد تایید قرار گرفته است. به گفته این محافل موشکهای به اصطلاح پناهگاه‌شکن در عملیات نظامی علیه فلسطینیان مورد استفاده قرار نخواهند گرفت، بلکه سلاحهایی هستند که اسرائیل میتواند آنها را علیه ایران و یا سوریه به کار برد. ناگفته نماند که این بمبها نخست تا عمق زیاد وارد زمین شده و زیر زمین منفجر میگردند."

و این ها بسیار جلدی و خطرناک اند. سران رژیم اسلامی با بیشرمی و قساوت قلب اسلامی، هیچ ابائی ندارند که اعلام کنند برای حفظ خود در قدرت آماده اند، خاورمیانه و جهان را در معرض یک نابودی کامل قرار دهند. و این صف آزادی، درمقایسه با آنچه که در عراق در جریان است، ابعاد به مراتب وحشتناک تری دارد. اگر در مورد رژیم صدام حسین، بوش و بلر هنوز مشکل توجیه تعرض نظامی به مردم عراق و تحویل سناریو سیاه به مردم آن کشور را داشتند و بحث دستیابی "دیکتاتور عراق" به سلاح کشتار جمعی، را هنوز نتوانسته اند برای افکار عمومی و دوایر حکومتی خود قابل هضم کنند، در مورد ایران تحت سلطه جنایتکاران اسلامی، موضوع دیگری است. قبل از اینکه مقدمات و نقشه حمله نظامی به رژیم اسلامی روی میز آقایان بوش و بلر قرار گیرد، خود سران رژیم اسلامی با وقاحت و بی شرمی تمام اعلام کرده اند، که دستیابی به سلاح اتمی را حق خود میدانند، برای آژانس بین المللی انرژی اتمی شانه بالا میاندازند، صریح و بی پرده میگویند که به هیچ معاهده بین المللی گردن نمیگذارند و در برابر تهدید نظامی، دست به سلاح اتمی خواهند برد. و این رژیم محصول بندو بسته‌ها و توطئه های خود دول راقیه با جنبش کشیف اسلام سیاسی برای بخون کشیدن انقلاب مردم ایران در سال ۵۷ است،

همانطور که تقابل با طالبان افغانستان گوشه دیگری از رویارویی با نوکرهای مرتجع بود که باغی شده بودند و سهم خود را میخواستند. رژیم اسلامی را با دریائی از خون سر کار آوردند، اما یک مشت طفیلی اسلامی که طعم قدرت سیاسی را چشیده اند، دیگر مدت‌هاست حاضر نیستند که به وظیفه و رسالت ضدانسانی سرکوب مردم ایران بسنده کنند و به حجه ها و حوزه های خود بازگردند. اینها نمیخواهند قدرتی را که با جنایت و نسل کشی به چنگ آورده اند، رها کنند. برخلاف سران رژیم سلطنتی، راهی برای فرار و عقب نشینی در مقابل مردم ایران و جهان متمدن ندارند. با بالاگرفتن کابوس جنگ و رویارویی اتمی، باج میخواهند و تصمیم دارند مردم ایران و بشریت را به حکومت ترور و وحشت خود عادت دهند.

تنها یک راه و یک مسیر میتواند رژیم جنایتکاران اسلامی را از بازی با زندگی مردم خاورمیانه و بشریت متمدن باز دارد. این رژیم را باید به اتکا مردم ایران و در راستای حفظ منافع آنان، حفظ امنیت و حریم مدنیت جامعه ایران، بزرگ کشید. رژیم اقلیتی آدمکش و جنایتکار را میتوان و باید منزوی کرد و از شر آن خلاص شد، میتوان به اتکا و اعتماد به نیروی مردم و لایه انسانی نیروهای مسلح رژیم، باندهای فاشیست و جنایتکار نیروی متعصب و مکتبی اسلام سیاسی را منزوی و دست آنها را از ماجراجوییهای جنایتکارانه کوتاه کرد. تقابل نظامی با رژیم جمهوری اسلامی، میدان را برای جولان تمام ظرفیتهای جنایتکارانه اسلام در قدرت فراهم خواهد کرد. راه خلاصی از رژیم اسلامی و تهدیدی که بالای سر بشریت گرفته است، اتکا به مردم ایران، قرار گرفتن در راستای منافع آنان و تلاش برای ایجاد یک جامعه عاری از سلطه اسلام سیاسی است. نیروی عظیم جهان متمدن میتواند و باید از صف آزادی ماجراجویانه با سرنوشت بشریت و مردم خاورمیانه جلوگیری کند و بعنوان تنها متحد مردم ایران از یک فاجعه وحشتناک جلوگیری کند. حزب کمونیست کارگری حکمتیست به این نیروی عظیم امید بسته است و تمام تلاشش را بکار خواهد بست تا با

بزرگ کشیدن رژیم اسلامی، مسبر حفظ و نجات مدنیت جامعه ایران و خاورمیانه را در برابر جهان متمدن بگیرد. نباید اجازه بدهیم صف آزادی خطرناک دو قطب تروریستی ما بشریت متمدن را به ترور و وحشت عادت دهند.

جنایات شنیع اسلاميون در عراق، محصول عملی سیاستهای بوش



بوش روز گذشته از سیاستهای خود در عراق به تمامی و علیرغم اعتراض و خشم مردم جهان، به دفاع برخاست. در فضائی که سیاستهای "تغییر رژیم" بوش و بلر در عراق ایجاد کرده است، در سناریو سیاهی که برای مردم عراق فراهم کرده اند، بازار جنایات شنیع جریانات اسلام سیاسی داغ و داغ تر شده است. روزی نیست که خبر آدم ربائیها، زنجیره عملیات انتحاری و بمب گذاریها، ابعاد و دامنه جنایات حرکتیهای اسلام سیاسی و "مجاهدتهای" آنان وجدان بشریت را تکان ندهد. جنایات شنیع جریانات کثیف اسلامی، عیناً چون خود اسلام سیاسی وقیح و ضد انسانی و بیرحم است. اکنون دیگر جهادگران، بر پرده تلویزیونها، قربانیان خود را چشم بسته و دست و پا بسته و در انظار میلیونها مردم جهان، سر میبرند و ذبح اسلامی میکنند. اعمام شد Jack Hensley گروگان آمریکائی اسیر در دست نیروهای اسلامی روز گذشته پس از Eugene Armstrong ، بطرز فجیعی سرش را از تنش جدا کرده اند و جسد مثله شده اش را در گوشه ای در بغداد رها کرده اند. روز گذشته بوش در سخنانش در مجمع عمومی سازمان ملل با عبارت پردازیهای همیشگی اش، محصول

سناریو سیاهی را که میدان تغذیه کثیفترین و جنایتکارانه ترین "مقاومتهای" جریانات اسلامی شده است را "آزادی و دمکراسی" برای مردم عراق نامید، از لشکر کشی به عراق و زیر و رو کردن شیرازه مدنی آن جامعه دفاع کرد و بدین ترتیب وعده تکرار بی انتهایی صف آزادی اشغال نظامی و انتقام و مقاومتیهای جنایتکاران اسلامی را به مردم جهان و از جمله به خانواده کسانی که هر روز در معرض تهدید هستند، دو باره و چند باره تکرار کرد. همسران و فرزندان همه کسانی که وابسته و عضوی از خانواده اش در عراق است، چه آنهایی که بعنوان سرباز و در صف نیروهای نظامی هستند، و چه آنهایی که بعنوان مستخدمین شرکتها در کارهای کنتراتی ممر معاش یافته اند، به این سخنان بوش گوش دادند و با صحنه های فجیع جنایات اسلاميون مقایسه کردند. از نفسها در سینه حبس شدند، از چشمها اشک سرازیر شدند و قلبها فشرده شدند و کابوس تکرار جنایات باز هم فجیع تر، زندگی را بر کوچک و بزرگ حرام کرد. و این معنای زمینی "دمکراسی" و محصول و میوه سیاست "تغییر رژیم" بوش و لشکر کشی و تجاوز نظامی به مردم هزاران فرسنگ دور ممالک دیگر است. وقتی عواقب بازی با سرنوشت مدنیت یک جامعه را با عکس العملهای جریانات ارتجاعی و فوق جنایتکارانه اسلامی در برابر مردم جهان قرار میگیرد، در خارج از این دایره محدود اقلیت بسیار ناچیز، جهان با دلهره در پی راه برون رفتی از این گرداب جنایت است. در برابر عملیات شنیع جریانات اسلامی، عمل مقابل و انتقامجوییهای نظامیان آمریکائی، بمباران اماکن عمومی و هر مرکز "مشکوک" است، دست بر ماشه به هر جنبنده ای شلیک میکنند و جنایت را با جنایت وسیع تر پاسخ میدهند. نتیجه، فرورفتن هر چه بیشتر جامعه عراق در باتلاق سناریو سیاه و از بین رفتن ابتدائی ترین شرط زندگی مردم است. در چنین فضائی مرگ و قتل هم حتی دیگر یک جنایت عادی نیست. جنایت و قساوت علیه انسان هر مرز قابل تصویری را در هم نوردیده است. اگر در یک سو، سر

ازدهای اسلام سیاسی در راس حکومت جمهوری اسلامی، ←

در جواب به جواب جواب درباره نامه 30 اوت رفیق حمید تقوایی

ریسوار احمد

جوابتان چنین شروع میشود که جواب من شما را بیشتر متقاعد کرده است که موضعگیری دفتر سیاسی ما در قبال جدایی در حزب کمونیست کارگری ایران عجولانه و کاملاً اشتباه بوده است. اما این حکم شما از نامه من استخراج نشده است و فکر نمیکنم نامه من به این استنتاج کمکی کرده باشد. شما از او بیشتر متقاعد شده بودید که هر موضعی که در مقابل روش و اقدامات عجولانه تان قرار بگیرد، عجولانه و کاملاً اشتباه است. این محک شماست، لازم نیست نامه مرا سند بگیرید.

میگویند تمام ناراضیاتی خودم را بر سمینار پالتاکی شما که در آن نامه پیشنهاد برگزاری پلنوم را رد کرده اید متمرکز کرده ام. رفیق حمید در این باره لازم است دو نکته روشن باشد: اولاً به نظر من چند روز آخر قبل از جدایی بخصوص نامه 22 نفر و سمینار شما جوهر و فشرده دو شیوه و دو تصویر در برخورد با معضلات درونی حزب و دو نوع مسئولیت در قبال وحدت حزب را به روشنی نشان داد که طی دوره اخیر عمل میشدند. هر یک از این دو ادامه گذشته خودشان بودند. ثانیاً در آخرین لحظات هر موضع و رفتاری بسیار تعیین کننده بود. نامه 22 نفر در آخرین لحظات فرصت جدیدی برای فکر کردن و چاره جویی باز کرد. جواب منفی شما هم در آخرین لحظات آن فرصت را بر ضایع کرد و دو شقه شدن را بر حزب تحمیل کرد. برای همه سوال است که چرا شما با آنهمه حرارت سنگر گرفته بودید که اجازه ندهید حتی 24 ساعت درباره ابتکار مسئولان 22 نفر و درخواست نامه مشترک من و دفتر سیاسی حزبمان فکر شود.

این مسئولیت تاریخی بزرگی است بر دوستان و شما نمیتوانید از آن شانه خالی کنید. بدون شک این مساله بر موضع ما تاثیر زیادی گذاشت. یک روز زودتر پی بردنتان به اشتباه بزرگی که کردید و ضربه بزرگی که به کمونیسم کارگری زدید به نفع خودتان و حزبتان است. این دلیل متمرکز شدن من بر سمینار شما بود. رد کردن نامه 22 نفر ادامه همان شیوه و تصویری بود که با آن پیشنهاد رحمان و مصطفی و درخواستهای 3 نامه من و نامه مشترک من و دفتر سیاسی و نامه صلاح ایران دوست و نامه نادر بکتاش را رد کردید. شما بخصوص از شیوه که به اتاق پالتاک آمدید و خواب از چشم همه ربودید و سپس خود رفتید و راحت خوابیدید، دیگر شعار جنگ تا پیروزی را بلند کردید و سرنوشت حزب و جنبش را به اینجا رساندید. در آن سمینار نیامده بودید که بحث سیاسی نکنید، بلکه با شعار تصفیه تشکیلاتی به میدان آمدید و سعی کردید برای این کار نیرو بسیج کنید. همین روش مبنای کار و اقدامات بعدی تان هم شد که هر پیشنهاد مثبتی که طرح میشد فوراً از طرف شما جواب رد میگرفت، از این نظر به راستی پیشرو بودید.

برای توجیه تصمیمات و اقدامات غیرمسئولانه تان مجدداً به نامه و تهدید 21 نفر برگشته اید، اما باور کنید شما نمیتوانید همه گامها و مواضع خود را با آن نامه تهدید توجیه کنید. بخصوص که نامه 22 نفر بعد از نامه 21 نفر آمده بود. اگر به دنبال یکپارچگی حزب بودید مبیایست از آن فرصت به گرمی استقبال میکردید. با کلی امید منظر بودیم که در آن سمینار از آن ابتکار استقبال کنید، اما واضح بود که آن فرصت آفرینی برای حفظ یکپارچگی حزب تماماً شما را به خشم آورده است.

چند بار دیگر هم درباره موضع من در قبال نامه 21 نفر پرسش کرده اید. من تاکنون آگاهانه از اظهار موضع خودداری کرده ام چون بیان حقیقی که بدان معتقد بودم بسود یکپارچگی حزب نبود. من آنوقت مفید نمیدانستم که بگویم نامه 21 نفر نه تهدید است و نه انشعابی، زیرا گفتن

این با کاری که در راه وحدت حزب برای خود گذاشته بودم خوانا نبود. بلی رفیق حمید باز هم شما مسئول بودید که 21 نفر ناچار میشوند بگویند که اگر پلنوم پلانقرم حزب سیاسی را نپذیرد ناچار میشوند راهمان را جدا کنیم، به این دلیل ساده که شما بند 13 اصول سازمانی حزب که منصور حکمت نوشته است را زیر پا میگذارید و صراحتاً میگویید که اختلاف نظر در حزب را تحمل نمیکنید. هر کس نظرش با شما یکی نباشد را بیرون میکنید. به این ترتیب تنها دو راه در برابر کسیان باز گذاشتید که مانند شما فکر نمیکردند، یا باید از نظر خود بشیمان شوند و مغز خود را بشویند و به نظر شما ایمان بیاورند. یا دنبال کمین گردآوری نیرو و آماده شدن برای جنگ و جدال در کنگره ای راه بیفتند که شما با هدف تصفیه مخالفانان به آن پناه برده اید. در چنین موقعیتی کسانی که نظرشان با شما یکی نیست و حاضر هم نیستند که از نظر خود تبری کنند، در عین حال کنگره جنگ تحقیر متقابل را نمیپذیرند. هیچ راهی جز جدایی برایشان نمیماند. آن 21 نفری که ناگزیر از این موضع شده بودند و نه بعنوان تهدید بلکه به این تصمیم رسیده بودند، مبیایست همان کار را بکنند که منصور حکمت کرد و پیشاپیش تصمیمشان را به رهبری حزب اعلام کنند. برای اینکه به رهبری فرصت بدهند راجع به انتخاب خود فکر کنند نه اینکه ناگهان در پلنوم آنها را با چنین تصمیمی مواجه سازند.

از منطق و تحلیل من اظهار تعجب میکنید و گویا شما همیشه انشعابیون را به ماندن در حزب فرا خوانده اید. راستش شما همیشه این کار را کرده اید اما به شرطی که آنها از نظرشان تبری جویند و به قول خودتان غسل تعمید شوند و به نظر شما شهادت بیاورند. دوست ندارم بگویم این به حکم و سنت چه جنبشی و چه کسانی شباهت دارد اما به اندازه سر سوزنی با سنت منصور حکمت خوانایی ندارد. نمیتوانید به ما بگویید که در این مدل حزب شما و در حزبی که شما لیدر و تصمیم گیرنده اش هستید، سرنوشت شخصیت ها و رهبرانی مانند کورش و رحمن و عبدالله دارایی

و فاتح و حمه سور و مجید و مهرانوش و ... و ... و ... که نظرشان با شما متفاوت است چه میشود؟ من در این ماجرا متوجه شدم که موقعیت اجتماعی و پراتیک و شخصیت افراد نزد شما ارزشی ندارد، همه معیار شما نظر است.

در جواب من میگویند معیار اصولگرایی من گردن گذاشتن به رای پلنوم و کنگره است، مشروط نکردن پذیرش تصمیمات پلنوم به موافقت با خود است، معیار من تبعیت بی شرط و شریک از اکثریت است ... حقیقتاً متعجبم، گوئی دارید علیه خودتان دلیل میآورید. این دلایلی که بعنوان معیار اصولگرایی خود میآورید، همگی علیه شما هستند، شما درست بر خلاف آن معیارها رفتار کرده اید. شما کجا پایبند پلنوم بوده اید؟ مگر از روی پلنوم و کمیته مرکزی نپذیرید؟ کجا پایبند بی قید و شرط اقلیت و اکثریت هستید؟ بهانه تان هر چه باشد مگر در مخالفت با اکثریت کمیته مرکزی (24 نفر از 46 نفر) پلنوم را رد نکردید؟ شما اقلیت و اکثریت را دقیقاً به شرطی قبول دارید که موافق خودتان باشد. در دفتر سیاسی قبول دارید چون 11 به 10 قرارهای شما را تایید کرد اما در کمیته مرکزی که ارگان بالاتر از دفتر سیاسی است، قبول نکردید چون 24 به 22 مخالف قرارهایتان بود. البته صحبت بر سر آن تجمعی که کنگره نام گذاشته اید و هیچ قانونیتی ندارد و به هیچ معیار و اصول سازمانی ای متکی نیست و نمیتوان اسم کنگره بر آن گذاشت، صحبت جداگانه ای است و حقا شما خیلی بر این پافشارید. اما این هم یک بار دیگر دلیلی بر پایبند نبودنتان به اصولگرایی است و نه عکس آن. همه اصول کنگره را به خاطر آکسیون که فکر میکنید میتوانید به میدانی برای محاکمه و تصفیه مخالفانان تبدیل کنید زیر پا گذاشته اید. گذشته از اینکه این محاسباتتان چقدر واقعی است یا نیست، سوال اینست که جدا از اینکه بهانه شما چه باشد و آیا کمیته مرکزی به بن بست رسیده است، شما بر اساس کدام موازین و اصول سازمانی، و نه اجتهادات مزاجی خودتان، این حقوق و اختیارات را به خود

میدید که به رغم مخالفت اکثریت کمیته مرکزی و از طریق پریدن از بالای سر این عالیترین ارگان میان دو کنگره، فراخوان کنگره میدید و درباره آن تصمیم میگیرید؟ بر چه اساسی و طبق کدام سند به نام اکثریت اعضا و کادرهای حزب در مورد ضرورت برگزاری کنگره سخن میگویند؟ میتوانید به ما بگویید شمار اعضای حزب چند است و آن اکثریتی که خواستار برگزاری کنگره شده اند و شما را وکیل کرده اند چند صد هستند؟ کی و کجای تاریخ تحزب کمونیستی چنین کنگره ای برپا شده است؟ به حقیقت منطبق و ادعاهایتان عجیب و بسیار حیرت انگیزند.

از ما میخواهید که در چند نقش جداگانه ظاهر شویم، یک بار بعنوان رهبری حزب عراق، یک بار بعنوان کادر حزب کمونیست کارگری ایران و بار دیگر بعنوان کمیتههایی قطع نظر از موقعیت تشکیلاتی مان، به راستی این همه تفکیک از نظر من عجیب است، ما قبل از هر چیز بعنوان کمیته واقعی فکر کرده ایم و تحلیل و ارزیابی داده ایم نه بعنوان اینکه در دو حزب چه موقعیتی داریم. اما حتی اگر معیار شما هم باشد، هیچ واقعبندی در ایرادی که به ما میگیرید وجود ندارد. رفیق حمید من باید چند بار این روایت را برای شما بازگو کنم: ما بعنوان کادرهای شما در جریان بحثها قرار نگرفتیم بلکه بعنوان رهبری حزب کمونیست کارگری عراق این مباحثات را گرفتیم، این حرف شما واقعیت ندارد، این مخدوش کردن واقعیت است، من رسماً از شما و کورش درخواست کردم که اسناد و مباحثات را به کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق بدهید. شما هم بعد از یک هفته اعلام رضایت کردید و به این ترتیب به کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق، نه کادرهای حزب شما داده شد، رهبری حزب عراق هم دو هفته بعد موضعگیری اش را شروع کرد. ما مبیایست بیشتر موضع میگرفتیم اما بر تلاش برای حفظ وحدت تمرکز کردیم و از هر موضع دیگری اجتناب کردیم، به خاطر وحدت دندان روی جگر گذاشتیم. نامه های قبلی من که با امضای شخصی

نفرت و جنایت متقابل و پاک سازی انسانیت منشا بقا و برگ هویت آنان، که حزب کمونیست کارگری عراق است. هر نیرویی که کمترین دلبستگی به حفظ حرمت انسان و نجات جامعه عراق از گرداب سناریو سیاه دارد، باید در تقویت صف انسانیت، در تحکیم و قدرتمندتر کردن حزب کمونیست کارگری عراق بکوشد. ■

هائی از دخالت مردم در سرنوشت خود و ایستادگی در برابر نیروهای کثیف اسلام سیاسی را در انتظار عموم گرفت. در هر جایی که نیرو و قدرت انسانیت و مدنیت، زندگی مردم عراق را از زیر سلطه بازی نیروهای سناریو سیاه خارج کند، آنجا نقطه امید برای رهائی جامعه عراق خواهد درخشید. و این نیرو، نه جریانات قومی، نه نیروهائی که

در برابر سازندگان سناریو سیاه و محسولات اسلامی آن، به مردم عراق و جهان متمدن متکی شوند. حزب کمونیست کارگری عراق تنها امید مردم عراق برای خلاصی از این وضعیت نفس گیر است. باید بتوان مدینت مردم عراق را به اتکا نیروی خود آنان از دایره دخالت این نیروهای سیاه و تجاوزگر خارج کرد. باید بتوان به جهان متمدن نمونه

یکدیگر را تکمیل میکنند. قلدری و باج خواهی سران رژیم اسلامی از مردم جهان، پایه و ستون گسترش نمونه های این سرمشق ارتجاعی در هر نقطه ای است که اسلام سیاسی میدانی برای عرض اندام و جا باز کردن در صف مقاومت عادلانه مردم مهیا ببینند. نیروی متممدن، سکولار و صف مقابل تروریسم سناریو سیاه چاره ای ندارد جز اینکه

► برای بقای خود آماده دست بردن به سلاح اتمی است، در این سو و در عراق، عرض اندام اسلام سیاسی بعنوان "مقاومت" در برابر تعرض و اشغال نظامی، در بازار سیاه سناریو جنایت و مثله کردن مدنیت جامعه عراق، سهم میخواید، با همان شیوه برادران در قدرت خود در ایران، رعب ایجاد میکند تا باج بگیرد و به او قدرت بپردازند. و این دو فاکتور

خودم نوشته شده اند، نه حزب یا دبیر کمیته مرکزی، بلکه موضعگیری های من بودند درباره مسائل بسیار ویژه (حمایت از پیشنهاد رحمان و مصطفی و انتقاد از رد آن پیشنهاد توسط شما). بنابراین دیگر بس کنید اینهمه بالا و پائین کردن ها را، شما هر بار دست به منطق عجیبی میبرید و خود را به تناقض آشکاری میاندازد تا موضع حزب ما را غیراصولی و اشتباه قلمداد کنید. اینها فایده ای ندارد، اصل مسأله اینست موضع ما به نفع شما نیست، به این دلیل بهانه بی اساس بر ایمان میتراشید.

درباره بحث و اختلاف نظرات سیاسی درون رهبری حزب کمونیست کارگری ایران نظر ما را پرسیده اید، در این باره نگران نباشید که بعنوان تفتیش عقاید به آن نگاه کنیم زیرا این با گذاشتن پرسشنامه جلو مخالفان و درخواست غسل تعمید از مخالفان فرق دارد. اما شما با این سوال میخواهید اصل مسأله (صورت مسأله) را عوض کنید و ما را به میدانی بکشانید که خود برای رساندن حزب به این روز انتخاب کرده اید. من بر خلاف شما معتقد نیستم که عامل اصلی کشاندن حزب به این دوشقه شدن، اختلاف نظرات سیاسی بود، بیشتر هم گفته ام که در رهبری حزب ایران اختلافات سیاسی وجود دارد و اختلافات سر مسائل مهمی هم بود. اما این اختلافات تازه نبودند و ضروری نبود که به این دوشقه شدن حزب منجر شود. میشد در چهارچوب یک حزب یکپارچه به شیوه درستی با آن اختلافات برخورد شود و مایه پختگی سیاسی حزب و روشن شدن بیشتر سیاست و استراتژی و بالاتر از آن گردد، آنچه این اختلافات را به عامل دوشقه شدن حزب بدل کرد پیش از هر چیز سیستم فکری و تصویر شما از حزب سیاسی و حزبداری، و برخورد و اختلافات سیاسی، بویژه ناتوانی خود شما از اداره حزبی که در آن اختلاف نظر موجود باشد بود. وگرنه تا آنجا که به مباحث سیاسی برگردد شاید سر همان مسائل در حزب عراق و حتی در حزب حکمتیست هم همین امروز یا فردا به همان شیوه اختلاف نظر وجود داشته باشد، بی آنکه تئوری راست و چپ و دوشقه کردن حزب از آن استنتاج شود. فکر نکنید که موضع ما در این مسأله مبتنی بر این باشد که در مجموعه مباحث (شورا، حزب و قدرت سیاسی، اوضاع سیاسی ایران و سیاست و نقشه حزب، ...) همفکری و انسجام داشته باشیم یا خیر، اگر در جای خود و جدا از هدف بیرون راندن و تصفیه صف مقابل، این مباحث طرح شوند چه بسا من در بحثی همفکر تو یا کورش میبودم و یا نظرم با هر دوی شما متفاوت میبود. اما این صورت مسأله نیست و آن را عوض نکن.

راستش من این تصویر را بی پایه میدانم. اگر ما چنین فکر کنیم چه ضمانتی وجود دارد که فردا بر سر هر مسأله و تحول دیگری دوباره اختلاف نظر نداشته باشیم؟ من نمیدانم شما با این سیستم فکری چطور میتوانید به حزب ادامه دهید؟ آنچه برای من اساسی است اینست که میتوان در حزبی که پاینده برنامه و تئوری و سنت منصور حکمت باشد و داناتما هم نظرات مختلف در آن موجود باشد، بحث مختلف وجود داشته باشد، اگر نباشد عجیب و غریب است، پس از طرح نظرات مختلف و انجام جدل لازم بر سرشان، خط سیاسی حزب به صورت قرار و قطعنامه و پلانقرم در ارگانهای رهبری با اقلیت و اکثریت قطعی شود و سپس این مبنای کار و فعالیت مشترک همه حزب میشود. عجیب بودن موضع شما در این است که این را عجیب میدانید.

در مورد دسته بندی حزب به چپ و راست که نزد شما به یک تز پایه ای بدل شده است، حقیقتا من ذره ای برای این تز ارزش قائل نیستم، زیرا به هیچ منطق و متد مارکسیستی ای متکی نیستم، بلکه نشانه درک بسیار سطحی ای از مارکسیسم است. آیا لازم است برای نشان دادن پوچی این تز به متد مارکسیستی و حکمتیستی متوسل شویم؟ شما دو جمله بسیار برجسته در کنگره چهارم بکار بردید یکی اینکه میگویند در حزب کمونیست کارگری اختلاف هست و انشعاب میکنند اما من خاطراتان را جمع میکنم که این حزب انشعاب نمیکند و اگر هم بکنند بعد از سرنوینی جمهوری اسلامی این کار را خواهد کرد دوم اینکه به ما میگویند که در فقدان منصور حکمت یاد اینها را میرود اما حالا معلوم شده کسی که نمیخواهد یاد او را ببرد باید به ما تکیه کند. من از ته دل از این دو جمله خوشم نمیآید. تصور من این بود که حمید قوامی فکر کرده و تحلیل کرده و تصمیم قوی و بزرگی گرفته است، متوجه نشدم که اینها شعارند. میتوانید به ما بگویند که اگر شما فکر میکردید که از یک سال قبل از کنگره، از پلنوم 16 چیزی (نظر، تز، گرایش، پلانقرم - چون شما هر بار چیزی میگویند) راست در رهبری حزب سر بلند کرده است، دیگر چگونه میتوانستید به ما اطمینان بدهید که این راست با چپ شما در یک حزب متحد خواهد ماند؟ بعلاوه اگر واقعا شما فکر میکنید که از دو سال پیش (ماه اوت 2002) در پلنوم 16 با یک سند کورش مدرسی، راست در حزب سر بر آورده است، چگونه است در حالیکه آن سند در آرشپو بوده و یک کلمه کم و زیاد نشده، در ماه فوریه 2004 با نامه دبیر شماره یک خود منکر وجود راست و چپ در حزب میشوید و آن را بی اساس میخوانید؟

همچنین بعدا در مارس 2004 به شیوه بسیار برجسته تری در نامه مشترکان با دفتر سیاسی که در پلنوم 20 به اتفاق آرا تصویب شد، وجود این راست و چپ را انکار میکنید؟ از خودت میپرسم کدام صحبت و کدام تحلیل را باور کنم؟ صحبت کنگره را یا نامه ماه فوریه یا نامه مشترک ماه مارس یا صحبت امروزت را؟ شما هر روز چیزی میگویند. تازه اگر صحبت امروزتان را مینا بگیریم، بگذارید آن را با حکمتیسم بسنجیم ببینیم ذره ای ارزش برایش باقی میماند؟ منصور حکمت وقتی از ناسیونالیسم کرد بعنوان راست در حزب کمونیست ایران نام برد، از هر نظر، در افق، در سیاست، در سنت، در پراتیک، در روش، در موضوع، در جنبش مرتبط با مسأله کرد و جنبش کردستان، مبارزه مسلحانه و پیشه رگاکه تی، حزب دمکرات، جنگ ایران و عراق، جنگ خلیج، خیزش در کردستان عراق، ... این راست را با اسناد و قطعنامه و کارکرد آن نشان داد ... در مورد آن کلی کتاب و جزوه و مقاله نوشت، کنگره و کنفرانس و سمینار برگزار کرد، سیاست و استراتژی و آلترناتیو چپ در برابرشان گذاشت، پس از همه اینها بدون آنکه کمین شخصی علیه کسی براه بیندازد و شخصیت کسی را لکه دار کند یا شعار طرد کسی را بلند کند، راه روشن یک بنی کردن حزب را نشان داد. اما به خودتان نگاه کنید، تمام سندی که روزی صد بار تکرار میکنید چهار پنج کلمه مجلس موسسان، رفراندم، دولت حجاریان، اعتقاد نداشتن به سوسیالیسم است، گوش به جواب طرف مقابلتان هم نمیدهید، از حرف طرف هم تفسیر دلخواهتان را میدهید و سپس 3 ساعت این تفسیر را میگویند و میگویند، سوال من اینست که آیا میشود مانند منصور حکمت که نقش گرایش راست در پراتیک آن دوره کومه له که کشانه رهبری را در دست داشت نشان داد، شما هم طی دوره ای که کورش لیدر حزب بود نمونه ای از راست زدن حزبمان را نشان دهید؟! نمیشود تصور کرد که سیاست و تحلیل لیدر در پراتیک حزب منعکس نشده است. این در حالیست که تلاشهای عظیم کورش در دوره لیدری اش قدردانی کرد. سرانجام اگر کورش از پلنوم 16، تز یا نظرات یا تمایلات راست پیدا کرده است، پس چه شد که در پلنوم 18 شما خود را بعنوان آلترناتیو چپ برای پست لیدری کاندید نکردید و به این آلترناتیو راست رای دادید؟! اینها و هزار و یک سوال دیگر را چگونه جواب میدهید؟ من این تحلیل های شما را بی پایه میدانم.

شما انکار میکنید که از ما خواستید دخالت نکنیم، میگویند منظورتان این بوده که بعنوان

حزب دخالت نکنیم نه بعنوان افراد. من میگویم این هم مورد ندارد که از ما بخواهید بعنوان حزب دخالت نکنیم. با بروز نخستین اختلاف در درون حزب ما در سال 1994، حتی حرفی در سطح جامعه اعلام نشده بود که منصور حکمت در برابر آن وضع دو قرار را در مورد دخالت در صحنه سیاسی عراق و پیشنهاد عضویت کورش و رحمان در کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق را طرح کرد که در پلنوم تصویب شد و حتی اولی را علنا در انترناسیونال چاپ کرد، بعد از آن بود که با خود ما صحبت کردند. سوال اینست که چرا آن وقت اصولی بود که حزب کمونیست کارگری ایران به ابتکار منصور حکمت بعنوان حزب قبل از اینکه اختلافات ما در سطح جامعه مطرح شود، در اختلافات درونی ما دخالت کند و موضع روشن و علنی بگیرد، اما اصولی نیست که ما بعد از رخ دادن جدائی و پخش شدن تفسیر شما از این جدائی از رادیو انترناسیونال و سمینار علنی، موضع بگیریم؟! اگر قرار باشد همه صحبتهایمان را با آوردن نمونه و سند ملموس از منصور حکمت جواب بدهم، جواب نامه شما یک کتاب خواهد شد.

به ما میگویند نباید بر اساس نامه ها و سمینارهای داخلی موضع بگیرید، اما مگر نه اینکه خودتان تمام استناداتان درباره دسته بندی کردن رهبری حزب به راست و چپ و دوشقه کردن حزب فقط یک سند داخلی و مجموعه ای نامه و سمینار داخلی است؟ مگر مبحث رفراندم و حجاریان و مجلس موسسان انعکاس علنی و اجتماعی داشته است؟ بازتابی بر فعالیت های حزب بیجا گذاشته است؟ این دست به دست کردها چیست؟ این شرط و شروط چیست؟ حرف و تحلیل تان غرق تناقضات است و هیچ مبنای مارکسیستی ندارد.

مجددا از ما انتقاد میکنید که بر مبنای فقط یک اطلاعیه از حزب حکمتیست پشتیبانی کرده ایم، البته وقت خودش بدنبال جدائی از حزب کمونیست ایران و اعلام موجودیت حزب کمونیست کارگری ایران هم ما بعنوان جریانات چپ عراق، همین کار را کردیم، و آن وقت نه شما و نه ابقیمانندگان در حزب کمونیست ایران از این بابت ایرادی به موضع ما نکردند. زیرا هم آنوقت برای همه روشن بود که مبنای ما یک اطلاعیه نبود و هم امروز روشن است که بر مبنای فقط یک اطلاعیه موضع نگرفته ایم. ما بعنوان بخشی از جنبش کمونیسم کارگری نقش و خط سیاسی و پراتیکی این صف از رهبران کمونیسم کارگری را میشناسیم و میزان پایبندیشان به سنتها و تئوریهای منصور حکمت را درک میکنیم، حزب حکمتیست ادامه همان خطی

است که قبلا در حککا پیش برده میشد و دورانی هم خود کورش لیدر و رهبر آن بوده است. ادامه همان خطی است که شریک همه کار و فعالیتی است که حزب کمونیست کارگری ایران به پیش برده است، همچنانکه حزب کمونیست کارگری ایران ادامه خطی بود که منصور حکمت قبلا در حزب کمونیست ایران طرحریزی کرده بود. این جدائی بر مبنای تجدید نظر در هیچیک از اسناد رسمی حککا نبود، بلکه حاصل آنست که شما بجای جدل سیاسی و نظری بر سر مباحث و تحلیل ها، به تصفیه تشکیلاتی پناه بردید و همه اقدامات و پیشنهادهايمان از اینجا سرچشمه گرفت. این جدائی قبل از هر چیز بر اساس سنت تحزب کمونیسم کارگری بود، در این مورد شما به شهادت هزار و یک شاهد آن سنت را کنار گذاشتید.

بگذار وقتمان را با این جدل بیهوده تلف نکنیم، زیرا خودتان هم به حرفهایی که رو به ما مینماید باور ندارید. من مانده ام این حرفتان را باور کنم که گویا ایزکیو و بر مبنای آینده در مورد حزب حکمت قضاوت خواهید کرد، یا با آن جنجال و هیاهوی راست، راست، راست که در رادیو انترناسیونال و سایت روزنه و سمینارهایمان علیه این حزب براه انداخته اید و حکمتان را صادر کرده اید و تمام شما را سرزنش میکنید که بر مبنای یک اطلاعیه موضع گرفته ایم، اما جالب توجه اینست که موضع خود شما تنها بر اساس دو جمله آن اطلاعیه است، که میگوید تشکیل یک حزب سیاسی مدرن و اجتماعی و توده ای کمونیستی در ایران و کسب قدرت سیاسی، شرط سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر است. ظاهر درک این مسأله برای شما سخت است. بر مبنای درک غلط خودتان از این جمله، حکم راستوری علیه این حزب صادر کرده اید. آیا میتوان حرفهایمان را جدی گرفت که ما را سرزنش میکنید که چگونه میشود بر مبنای یک اطلاعیه موضعگیری کرد.

درباره پیام تهدیدآمیزت و به قول خودت توصیه برای پاشاندن وحدت و انسجام حککع، رفیق حمید! دیگر مجال باقی نگذاشته ای که از قضاوتی بدبینانه ابراز تأسف کنید که گویا من به نادرست در قبال شما و عملکردتان پیدا کرده ام. واقعا از صمیم قلب برایت متأسفم. عجیب اینست درست که کنار همان نوشته ای که در سایت روزنه گذاشته ای و در آن مرا متهم به اتهام زنی به خود کرده ای، دو نوشته از اعضای دفتر سیاستان درج شده که عینا پیام شما را گرفته اند و دست بکار شده اند و پیش بینی من را متحقق کرده اند و کادرها و اعضای حزب ما را به شورش و قیام علیه رهبری و

سال تحصیلی جدید، سال آزادی و برابری

با شروع اول مهر مجدداً نفس در سینه سران جمهوری اسلامی حبس خواهد شد. نسل جوان در مدارس و دانشگاه دوباره دور هم جمع خواهند شد، مصاف شبانه روزی نسل جوان

کانون مبارزه علیه جمهوری اسلامی و رشد کمونیسم، عمل خواهند کرد. سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز خواهد شد که نسل جوان و مردم سرنگونی طلب، جریان دوم خرداد را بکلی پشت سر گذاشته اند و سرنگونی طلبی به بستر هر کشمکش و اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. سال تحصیلی جدید سال متحد و متشکل شدن حول پرچم آزادی و

برابری است. در سال تحصیلی جدید میتوان مدارس و دانشگاه را به مرکز اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرد، میتوان به سلطه سیاه مذهب بر مدارس و دانشگاه پایان داد، میتوان دیوار آپارتاید جنسی در مدارس و دانشگاه را پائین کشید و مدارس و دانشگاه را از کنترل جمهوری اسلامی خارج کرد و در یک کلام، باید سال تحصیلی جدید سال کمونیسم و سال تبدیل

شدن آزادی و برابری به شعار مدارس و دانشگاهها باشد.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد آزادی برابری زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری

ایران - حکمتیست

۳۱ شهریور ۱۳۸۳

۲۱ سپتامبر ۲۰۰۴

اخراج کارگران سد گاوشان محکوم است!

امروز طبق خبری که به دست کمیته کامیاران حزب کمونیست کارگر ایران - حکمتیست رسیده است. بیش از ۱۶۰ نفر از کارگران سد گاوشان را که سالها در این سد کار میکردند اخراج کرده اند. سد گاوشان حدود ۲۰۰۰ کارگر دارد که با اخراج این دسته از کارگران، بیکار سازیهای بعدی بقیه را در معرض خطر جدی قرار داده اند. بنا به خبر رسیده کارگران تصمیم گرفته اند که

یا بازگشت به کار خود فراموشی خواهند.

مردم مبارز، کارگران، و جوانان مبارز!

جمهوری اسلامی ایران بر روی دریای از نفرت مردم آزادیخواه و کارگران به حکومت ضد کارگری و ضد مردمی خود ادامه می دهد. حکم مردم آزادیخواه سرنگونی این رژیم و بر پای نیای آزاد و برابر است. باید یک مقاومت متحد و یکپارچه را در دفاع از کارگران اخراجی، برای باگرداندن آنان به سر کار و پرداخت بیمه بیکاری تضمین شده و نیز کلیه مزایا و حق خسارت ناشی از بیکار سازی را سازمان داد. باید

یک صف واحد و فشرده بین کارگران اخراجی و کارگران شاغل و یا در معرض تهدید بیکار سازی، ایجاد کرد و تمام اقشار مردم زحمتکش، زنان و جوانان را به حمایت از اعتراض و مقاومت کارگران به میدان آورد. باید تعرض به کارگران، امنیت شغلی و سطح معیشت و زندگی آنان را در نطفه خفه کرد. سیاست کارفرمایان و سرمایه داران و رژیم جنایتکار حامی آنها، تکه تکه کردن صف کارگران و حمله به امنیت شغلی و سطح معیشت آنان در تعدادهای کوچک و سپس گسترش این تعرضهاست. نباید اجازه بدهیم صفمان را پاره پاره کنند

و اتحادمان را برهم بزنند. حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست تمام کارگران سد گاوشان و مردم زحمتکش منطقه را به حمایت و پشتیبانی از اعتراض و خواستههای کارگران اخراجی فرامیخواند.

مرگ جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کمیته کامیاران حزب

کمونیست کارگری

ایران - حکمتیست

۳۱ شهریور ماه ۱۳۸۳

۲۱ سپتامبر ۲۰۰۴

وسیع، محلات را به تدریج از نیروهای رژیم اسلامی پاکسازی کنند. در دوران تدارک بزرگ کشیدن رژیم جانیان اسلامی این امر ممکن و مقدر است.

زنده باد همبستگی مبارزاتی مردم پیش بسوی پاکسازی محلات و مناطق مسکونی از نیروهای نظامی و سرکوبگر رژیم.

کمیته میروان حزب کمونیست

کارگری ایران - حکمتیست

۲۰ سپتامبر ۲۰۰۴

۳۰ شهریور ۱۳۸۳

ترین شرایط و دشوارترین صحنه به کار خود ادامه میدهد. دست بکشید از نیت پاشاندن صف حکمتیست هایی که در میدانگاه تروریسم و جنگ و کشتار و سناریوی سیاه دست هم را گرفته اند و پرچم منصور حکمت را بر فراشته اند و برای بیرون بردن جامعه از آن گرداب تند بیوقفه تلاش میکنند.

ریوار احمد

دبیر کمیته کارگری
حزب کمونیست کارگری عراق
01-09-2004

می افزایش و تزلزل و شکاف در صفوف رژیم را تشدید میکند. کمیته میروان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، مردم را به اتحاد و همبستگی مبارزاتی هرچه وسیعتر فرامیخواند، باید در محلات و مناطق مسکونی، مردم چنان روابط و شبکه هائی از اتحاد و همبستگی مبارزاتی را ایجاد کنند که نیروهای رژیم اسلامی جرات عرض اندام و حضور را نداشته باشند. ضعف و تزلزل رژیم اسلامی میتواند به این ترتیب در محلات مختلف به نفع مردم تمام شود. مردم میتوانند، با ایجاد شبکه های

میبینند، به شیوه مرسوم رژیم جنایتکار اسلامی وارد منزل مذکور شده و آترا به آتش میکشند. این عمل وحشیانه با مقابله خشمگینانه مردم روبرو شد و درگیری تا ساعت ۳ بعدازظهر ادامه داشت.

جمهوری اسلامی روی دریائی از خشم و نفرت مردم در سراسر ایران نشسته است، هر تعرض و هر جلوه حضور نیروهای سرکوبگر این رژیم و تحت هر بهانه و توجیهی به تقابل وسیع مردم منجر میشود. عکس العملهای اسلامی و ضد انسانی نیروهای مزدور جمهوری اسلامی بر عمق خشم و ناراضیاتی مردم

رژیم به منزلی در محله استادایوم در شهر میروان حمله کرده و تحت عنوان مبارزه با منکرات و فساد، تلاش میکنند که چند دختر و پسر جوان را بازداشت کنند. مردم شهر میروان به محض اطلاع از این ماجرا در محل تجمع کرده و با نیروهای رژیم درگیر میشوند. پس از مدتی نیروهای ضد شورش و پلیس ۱۱۰ برای مقابله با مردم وارد محله میشود که با پرتاب سنگ و سر دادن شعار علیه رژیم از آنان استقبال میشود.

نیروهای رژیم اسلامی که ناتوانی و استیصال خود در برابر مردم را

رویارویی مردم محله استادیوم میروان با نیروهای رژیم اسلامی

روز ۲۶ شهریور (۱۶ سپتامبر) ساعت ۱۱ صبح نیروهای سرکوبگر

شخص شما داشتیم، کمی با جسارت انقلابی و با الهام از منصور حکمت نگاهی به نقش این چند ماه گذشته ات بینداز و به اشتباهات خود پی ببر و آنها را اصلاح کن. هنوز کار از کار نگذشته است. باور کن مسئولیت مستقیم درب و داغان کردن حزب منصور حکمت در ایران بر عهده توست، نگاهی گذرا بر ابراز شادمانی های روی سایت روزنه در مورد پیروزی بر راست گمانی برای کسی باقی نمیگذارد که حتی از دوشقه شدن حزب خوشحالی بیشتر از اینکه ناراحت

است را به ما اطلاع میدهند، امیدوارم از این پس خود آن را بازگو کنند. اما در مورد همین نوشته ها ضروری است یادآوری کنم که سابقاً این حرف طالبانی بود که به ما میگفت منصور حکمت مینویسد و شما امضا میکنید، اما اکنون متأسفانه مصطفی صابر به این جعبه دست برده و گفته است که کورش مدرسی نوشته و شما امضا کرده اید. واقعاً برایتان متأسفم.

رفیق حمید! بسیار متأسفم، ما انتظار دیگری بخصوص از

حتی زیر پا گذاشتن همه اصول و موازین و معیارهای حزبی و زیر سوال بردن سلسله مراتب حزبی و صلاحیت ارگانهای رهبری فرا خوانده اند. نامه مصطفی صابر و محسن ابراهیمی تنها دو نمونه زمخت و آشکار و بی پرده هستند اما نمونه های دیگری وجود دارند که نشان میدهند شما طبق نقشه دست به پاشاندن وحدت و انسجام حکم و دوشقه کردن آن برده اید. گذرهای ما روزمره این تحکرات شما که بیشتر در سطح اعضای رهبریتان

محاکمه کارگران سقز باید لغو شود

مردم مبارز سقز!

فردا پنجشنبه ۲ مهر ۱۳۸۳ برابر با ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۴ قرار است محاکمه فعالین کارگری سقز، محمود صالحی، برهان دیوارگر، جلال حسینی، محمد عبدی پور، هادی تنومند، اسماعیل خودکام و محسن حکیمی، به جرم شرکت در اول ماه مه از سر گرفته شود. فعلا فردا صبح قرار است محمود صالحی و محمد عبدی پور دادگاهی شوند و متعاقبا تاریخ

محاکمه بقیه نیز اعلام شود. همچنانکه در جریان هستتد هیاتی بین‌المللی به سرپرستی کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری آزاد در این مدت در تلاش بود که به ایران سفر کند و در جلسه دادگاهی این کارگران شرکت کند. تا جایی که معلوم است تاکنون مقامات جمهوری اسلامی از دادن ویزا به این هیات خودداری کرده و با این کار مانع ورود آنان به ایران شده‌اند.

دوم مهر، کارگران سقز پای میز محاکمه!

به محاکمه کارگران به مدت ۵ دقیقه دست از کار خواهند کشید.

به این ترتیب ما شاهد یک همبستگی کارگری سراسری در میان طبقه کارگر در ایران هستیم که جای خوشحالی و قدردانی است. اما این همبستگی هنوز در نطفه است و نیروی عظیم کارگران را در بر نمی‌گیرد. اگر این همبستگی سراسری شود، نه تنها رژیم اسلامی نمیتوانست کارگران سقز را به محاکمه بکشد بلکه پیشروی و پیروزی بزرگی برای طبقه کارگر در مبارزات کنونی و آتی‌شان خواهد بود. محاکمه کارگران سقز به جرم شرکت در مراسم اول مه لکه ننگین دیگری بر پیشانی جمهوری اسلامی است. این عمل ضدکارگری را طبقه کارگر بر رژیم نخواهد بخشید. علاوه بر آن رژیم اسلامی مورد اعتراض کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری آزاد با میلیونها عضو قرار گرفته است. مریم اصغری پور همسر برهان دیوانگرد نیز در نامه ای

جنایتکاران، خود قاضی و دادستان محاکمه کارگران شده‌اند. باید جلوشان را گرفت. باید رسواترشان کرد.

قرار است دوم مهر ماه کارگران شرکت کننده در مراسم اول مه سقز به دادگاههای رژیم احضار و به جرم برگزاری مراسم اول مه روز جهانی کارگر محاکمه شوند.

در این رابطه جنب و جوشی در میان کارگران در نقاط مختلف ایران به چشم می‌خورد. کارگران خباز سقز و فعالین دیگر بخشهای کارگری در سنج و دیگر نقاط کردستان این امر را در مرکز توجه قرار داده‌اند. همچنین خبرهایی منتشر شده است که جمعی از کارگران ایران خودرو نیز تلاش میکنند تا توجه این بخش مهم کارگری را به این مساله مهم جلب کنند. آنها اعلام کرده‌اند که روز اول ماه مهر یعنی یک روز مانده

کارگران، زنان، جوانان!

خواست لغو فوری محاکمه کارگران تبدیل کرد. در این ماجرا نباید گذاشت کارگران و خانواده‌هایشان تنها بمانند.

جا دارد کارگران و مردم در شهرهای مختلف به هر شیوه که میتوانند علیه این قلدی آشکار رژیم اعتراض کنند.

مزدوران جمهوری اسلامی با تعرض به اجتماع اول مه امسال کارگران سقز مرتکب جرم شده‌اند و این آنان هستند که باید محاکمه شوند. حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در این ماجرا در کنار شماست. ما تلاش خواهیم کرد هم در داخل ایران و هم در ابعاد بین‌المللی کمپین خود را علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از کارگران سقز پیش ببریم.

خالد حاج محمدی دبیر کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست اول مهر ۱۳۸۳

اطلاعیه خبری کمیته سردشت پسری ۱۴ ساله با انفجار مین جانباخت!

طبق خبر دریافتی، روز یکشنبه ۲۲ شهریور در اطراف روستای بیوران از توابع سردشت در جوار مرز عراق، نوجوانی ۱۴ ساله بنام زونا شیخه پور در انفجار یک مین جان خود را از دست داد. زونای نوجوان که در حال چراندن گله ای گوسفند بود، پاکباخته و بیخبر از سرنوشت بیرحمی که در انتظارش نشسته است بر روی مین رفته و در نتیجه انفجار وحشتناک مین در دم جان میدهد. شدت انفجار مین و ترکش وسیع آن تعدادی از احشام را نیز دچار تلفات می‌کند.

این اولین بار نیست که مردم محروم و زحمتکش کردستان در نقاط مختلف بویژه در مناطق مرزی همچو جوار عراق، در نتیجه برخورد با مین قربانی میشوند. رژیمهای جنایتکار ایران و عراق

چه در زمان جنگ و چه بعد از آن میلیونها مین در مناطق مرزی کاشته و از اینطریق امنیت و آسایش را از مردم این مناطق سلب کرده و تا کنون موجب مرگ هزاران انسان شریف و بی‌دفاع شده‌اند.

برای رهایی از ناامنی، کشتار و جنایت هیچ راهی وجود ندارد جز پایین کشیدن جانین حاکم اسلامی از اریکه قدرت و جایگزینی آن با حکومتی مردمی. غم از دست دادن زونا و هزاران قربانی دیگر را به نیروی بیشتری برای سرنگونی رژیم اسلامی تبدیل کنیم.

کمیته سردشت همراه با ابراز تسلیت، نهایت تأسف و همدردی خود را با خانواده و بستگان زونا شیخه پور و نیز مردم بیوران اظهار داشته و خود را در این اندوه سهیم میداند.

کمیته سردشت

حزب کمونیست کارگری

ایران - حکمتیست

۱۶ شهریور ۱۳۸۳

بخشهای مختلف در این شهر و بخصوص فعالین کارگری را به دفاع از کارگران نساجی کردستان فرا میخواند. نباید گذاشت کارگران این کارخانه قربانی طمع ورزی کارفرماها شده و نان بخور و نمیر سفره فرزندان‌شان هم قطع شود. به کمک و همبستگی با کارگران نساجی بشتابید و تنه‌هایشان نگذارید.

زنده باد همبستگی کارگری آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته سنج ح.ک.ک.ا. - حکمتیست
۳۱ شهریور ۸۳
۲۱ سپتامبر ۲۰۰۴